

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره دهم، پاییز ۱۴۰۱، ص ۲۵۰-۲۶۹

آسیب های اجتماعی حضور در زندان

بهروز سلیمی^۱

رباب صادقی آزاد^۲

چکیده

هدف اصلی زندان اصلاح و تربیت و بازپروری و جبران خسارت به جامعه است، محکومین کسانی هستند که واسطه انحراف ثانویه و ارتکاب جرم توسط دادگاه صالح محکوم به نوعی خاص از مجازات شده اند مسائلی که در رابطه با زندان و زندانی نقش ایفا می کند دارای اهمیت بوده و باید مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند زیرا نمی توان فردی را زندانی کرد ولی به صدمات و آسیب هایی که فرد و جامعه و جایگاه اجتماعی که وی وارد می شود توجه نکرد. لذا با توجه به اهمیت و ضرورت توجه به آسیب های اجتماعی زندان در پژوهش حاضر ضمن مطالعه و پژوهش آسیب های اجتماعی زندان بر زندانیان سعی شده است تا با ارائه راهکار هایی شرایطی را فراهم کرد تا هم خانواده فرد و هم جایگاه اجتماعی فرد دچار آسیب نگردد و توسط جامعه مورد پذیرش قرار گیرد. روش تحقیق حاضر تحلیلی - توصیفی می باشد و نتایج این پژوهش نشان داد که مسئله طرد اجتماعی و برچسب زنی از شایع ترین آسیب های اجتماعی حضور زندانی و تاثیر آن بر خانواده و جایگاه اجتماعی اوست و بهترین راهکار مقابله با این آسیب ها ایجاد یک نظام متمرکز حمایتی اقتصادی از مشکلات مربوط به اشتغال، درآمد و معیشت ناشی از زندانی شدن افراد و استفاده از ظرفیت سازمانهای مردم نهاد می باشد.

کلید واژه: زندان، محکومین، آسیب اجتماعی، حضور در زندان، خانواده زندانی، سازمان مردم نهاد.

^۱ سلیمی. بهروز (کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی)

^۲ صادقی آزاد. رباب (کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی)

مقدمه

انسان ذاتا موجودی اجتماعی و ناگزیر از زندگی در اجتماع است و تمام جوامع انسانی با آسیبهای متعددی مواجه اند. هیچ جامعه انسانی را نمیتوان یافت که فاقد آسیب اجتماعی باشد و در واقع وجود چنین جامعه ای متصور نیست که دلیل این امر به ذات انسانها باز میگردد جامعه فاقد آسیب از دیدگاه فلاسفه مدینه فاضله نام گرفته است. جامعه از تجمع تعدادی از انسانها شکل گرفته است و دلیل به وجود آمدن آسیب در جامعه را هم باید در رفتار اعضای آن جستجو نمود.

آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی جامعه محل فعالیت کنشگر قرار نمی گیرد و لذا با منع قانونی و قبح اخلاقی و اجتماعی مواجهه می گردد. عوامل روان شناختی و جامعه شناختی گوناگونی می توانند دست به دست هم داده و آسیب های اجتماعی را افزایش دهد.

زندانیان در ایران جامعه ای در حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر را تشکیل میدهند اما مسئله ی مهمی که در اینجا لازم به ذکر است این است که علاوه بر زندانیان که در معرض آسیب هستند قشر بزرگتری از جامعه یعنی خانواده ایشان نیز در معرض آسیبهای جدی هستند. اگر ما به طور متوسط خانواده هر زندانی را ۴ نفر فرض نمائیم به طور میانگین با جمعیتی معادل ۱،۰۰۰،۰۰۰ نفر در معرض آسیب مواجه می شویم. مطابق آمار در اکثر موارد این سرپرست خانواده است که زندانی میگردد و این علاوه بر اینکه خانواده از لحاظ عاطفی رئیس خود را از دست میدهد از لحاظ اقتصادی نیز نان آور خانواده و منبع درآمد خود را نیز در کنار خود نمی یابد و این ممکن است موجب از هم پاشیدگی نهاد خانواده بیانجامد. به این تعداد از افراد باید تعداد شکات را نیز اضافه نمود به طور مثال، شخصی که در تصادف سلامتی خود را از دست داده است و متشاککی او به علت عدم پرداخت دیه در زندان به سر می برد، دست کمی از زندانی نخواهد داشت و خانواده و زندگی او نیز در معرض آسیبهای شدیدی قرار خواهد گرفت. در چنین مواقعی خود شاکی نیز نیازمند حمایت است و به طور مثال ستاد دیه با کمک به زندانی و پرداخت دیه به شاکی علاوه بر اینکه به زندانی و خانواده او کمک شایانی مینماید به شاکی نیز کمک رسانی نموده است.

۱-۱- بررسی مفهوم انواع و آثار آسیب اجتماعی

بر اساس نظر پاره ای از دست اندر کاران علوم اجتماعی انسان حیوانی اجتماعی است، بدین صورت که مفهوم «بشریت» یا «انسانیت» در طول و عرض زندگی اجتماعی محقق میشود و به فعلیت می رسد، زیرا که رفتار افراد و شخصیت آنها در اجتماع انسانی و در تاثیر و تاثر با انسانهای دیگر شکل می گیرد. بسیار قبل تر از آنکه «ما» وجود داشته باشیم و مطمئناً بسیار بیش تر از زمانی که الان «ما» هستیم جامعه وجود داشته و وجود خواهد داشت. فرد در جامعه تحت تاثیر و تاثر است بدین معنی که از یک سو شخصیت رفتار و افکار فرد تحت تاثیر جامعه است و از سویی دیگر همین فردی که تحت تاثیر جامعه میباشد میتواند جامعه ای را که برای نسل های بعدی به ارث می گذارد تحت تاثیر خود قرار دهد. این تاثیر و تاثر دو سویه همانی است که (آنتونی گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۹۶۴)

از آن تحت عنوان «ساخت یابی» یاد می کند. انسان تنها به دلیل اینکه زندگی اجتماعی برایش راحت تر است حیوان اجتماعی نامیده نشده است بلکه بیشتر به این دلیل است که بدون وجود جامعه دوام و بقای انسان امروزی در هاله ای از ابهام قرار می گیرد. بنا بر این می توان این ادعا را مطرح نمود که امروزه هر کاری که انجام میدهیم به نوعی اجتماعی است یعنی یا آن را از دیگران یاد گرفته ایم یا آن را با دیگران انجام می دهیم و یا به طریقی به عده ای از انسان های دیگر مربوط می شود. کم است تعداد کسانی که کوشیده اند از جامعه بگریزند اما همان تعداد کم نیز در صورت گریز، فنون، ایده ها و معرفت هایی را از دیگران اکتساب کرده اند. به بیانی دیگر اینها در همان نهان خویش نیز (هرچند در خاطره هایشان با جامعه زندگی می کنند. جامعه انسانی به هیچ روی مبتنی و متکی بر دستورات خشک و تغییر ناپذیر غرایز اعضا آن نیست بلکه به وسیله خود انسانها به وجود آمده و نسلهای مختلف آن را فرا گرفته و اصلاح کرده اند. هر جامعه ای، فعل و انفعالات فرهنگی خود را بهنجار و طبیعی میدانند این بدان معنی است که هر جامعه ای فرهنگ های دیگر را با معیارهای خود می سنجد و عجیب حتی غیر اخلاقی است. کند که راه و رسم زندگی دیگران، غریب، غیر عادی و در هر جامعه ای بعضی رفتارها وجود دارند که مورد پذیرش اکثریت اعضای آن جامعه است که تحت عنوان هنجار از آن یاد میشود. بدیهی است که هرگونه تخطی از هنجارهای یاد شده تحت عنوان ناهنجار دسته بندی خواهد

شد و احتمالاً واکنش جامعه و اعضای آن را به دنبال خواهد داشت. معیار داوری در مورد رفتار بهنجار نرمال و یا صحیح مقررات رسمی یا غیر رسمی تعیین کننده رفتار در یک وضعیت مشخصند. این مقررات آن چنان پذیرفته و درونی شده اند که به ندرت متوجه آن میشویم مگر آن که توسط شخص یا گروهی شکسته شده باشند. انحراف از هنجارهای اجتماعی طبیعتاً مجازاتهایی را به دنبال خواهد داشت. مجازات قانون شکنان بر اساس اهمیتی که جامعه برای هنجار شکسته شده قائل بوده است تعیین و شامل طیف گسترده ای از درهم کشیدن چهره در مقابل شخص خاطی تا اعدام قانون شکن می باشد.

در هر حال، شخص اگر هنجارهای اجتماعی را بپذیرد و به رعایت آن پردازد در گروه های هنجار و در غیر این صورت در گروههای ناهنجار و یا کجرو دسته بندی خواهد شد ولی چیزی که بسیار ملموس به نظر می آید این است که آسیبهای اجتماعی از واقعیت های مسلم جامعه هستند. پیش از بررسی برخی از آسیبهای مهم اجتماعی کشور ضروری است که پدیده جرم نیز تعریف شود چون عموماً این دو واژه معمولاً در ارتباطی تنگاتنگ با واژه انحراف و کج روی قرار دارد.

۲-۱- تعریف آسیب شناسی

آسیب از نظر لغوی به معنای آزار، گزند، درد، رنج صدمه زیان و خسارت آمده است. واژه آسیب در مورد ناهمنوایی با هنجارها یا مجموعه ای از هنجارهای معین نیز به کار برده می شود. براساس تعریف فرهنگ پیشرفته آکسفورد آسیب شناسی اجتماعی، مطالعه علمی آسیب ها، بیماری ها و اختلافات است. آسیب شناسی، موقعیت یا حالتی زیست شناختی است که در آن یک ارگانیسم از عملکرد صحیح و مناسب منع شده است. اصطلاح آسیب شناسی از جمله واژههایی است که بسیاری آن را در مفهوم مترادف با کج روی به کار برده اند و در بیانی دیگر میتوان آسیب شناسی را به معنای مطالعه ناهنجاریها و دردهای موجود در جامعه بیان کرد که باعث ایجاد نقصان و زیان به پیکره جامعه یا خانواده میشود که میتوان اعتیاد، بیکاری، فقر، خود کشی، طلاق، ولگردی و ... را از جمله این ناهنجاریها نام برد. آسیب شناسی وظیفه ریشه یابی بیماری های جسمی را نیز بر عهده دارد.

آسیب شناسی اجتماعی مطالعه نابسامانی ها و اختلالات و عدم هماهنگی و تعادل در کارکردهای مربوط به کالبد حیات اجتماعی انسان هاست. اصطلاح آسیب شناسی، از دیدگاهی کارکردی"، از علوم زیست شناختی به عاریت گرفته شده است اما در مباحث جامعه شناختی، هدف آسیب شناسی اجتماعی را با تسامح شناخت کج رفتاری علل و عوامل انواع و پیامدهای آن می دانند. آسیب شناسی، اجتماعی ارتباطی تنگاتنگ با روان شناسی نیز دارد. به دلیل آنکه عمل فردی و روانی در بروز جرم و انحراف نقش اساسی دارد آسیب شناسی اجتماعی ناگزیر از ارتباط با روان شناسی و نیز روان شناسی اجتماعی است.

۳-۱- مبانی نظری

نظریه کنترل اجتماعی در جامعه شناسی انحرافات، مبحثی جدید در مطالعات اجتماعی است که به بررسی تأثیر زندان بر خانواده ها بر روابط خانواده و گرایش فرزندان به بزهکاری توجه دارد. رویکرد کنترل اجتماعی وقوع رفتارهای کجروانه را برحسب وجود ضعف در فرایند کنترل اجتماعی در جامعه و ناکارآمدی آن در هر دو بعد درونی و بیرونی تبیین می کند. براساس این رویکرد، هنگامی که کنترل اجتماعی به اندازه کافی قوت داشته باشد از وقوع کجروی جلوگیری می شود اما وقتی کنترلهای داخلی یا خارجی ضعیف یا از هم پاشیده باشد، رفتار کجروانه ظاهر می شود (سلیمی و داوری ۱۳۸۵، ص ۳۹۰)

تراویس هیرشی از صاحب نظران تبیین های کنترل اجتماعی پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف باورها و اعتقادات موجود در جامعه می شمرد. او معتقد است هر چه همبستگی میان جوانان، والدین، بزرگسالان و همسالان بیشتر باشد جوانان بیشتر علاقه مند و درگیر مدرسه و دیگر فعالیت های مقبول اجتماعی میشوند و هر چه بیشتر اعتقادات و جهان بینی مرسوم و مطلوب محیط اجتماعی را قبول کنند احتمال کجرو و مجرم شدن آنها کمتر است. او چهار عنصر را به عنوان عناصر پیونددهنده افراد به یکدیگر و جامعه و به تعبیر دیگر چهار متغیر کنترل کننده رفتار معرفی می کند که عبارت اند از ۱. دلبستگی، ۲. تعهد ۳. مشارکت ۴. باور (همان، ۳۹۱-۳۹۲). سرمایه اجتماعی: موضوع عناصر پیونددهنده در نظریه کنترل اجتماعی لاجرم مفهوم سرمایه اجتماعی را هم پیش می کشد

نظریه کنترل اجتماعی چهار متغیر کنترل کننده رفتار از جمله دلبستگی، تعهد، مشارکت و باور را معرفی میکند؛ بنابراین بحث سرمایه اجتماعی به خوبی اهمیت نقش نهادهای حمایتی و مدنی نقش نهاد خانواده و مذهب را در جامعه ایران نشان میدهد کنترل اجتماعی طبق دیدگاه مبدع این اصطلاح به تمام فرایندهایی مانند پلیس و دادگاه ها و زندانها و قانون جزا و حتی مذهب و آموزش و پرورش اشاره دارد که افراد را به همنوایی با هنجارها و ارزشهای جامعه وامی دارد. در سطح کلان میتوان درباره وضعیت موجود و وضعیت جرم و رشد جمعیت کیفری زندانها به نظریه هم آغوشی مثلث مذهب اخلاق و روحانیت توجه کرد. طبق این نظریه در جامعه سنتی و در حال گذار مثلث، روحانیت مذهب و اخلاق چنان همپوشانی دارد و با همدیگر در ذهنیت توده های مردم تجلی کرده اند که فروریختن یکی از این سه سبب فروریختن سایر ارکان میشود و به هر نسبت که از اعتبار روحانیت کاسته شود باورهای دینی و عقاید مذهبی متزلزل و معیارهای اخلاقی لوث میشود (باقی، ۱۳۸۳: ۱۵۰-۱۶۳)

جامعه پذیری: بحث جامعه پذیری را برخی صاحب نظران با کنترل اجتماعی یکی میدانند و برخی مرحله ای از کنترل اجتماعی و بعضی هم فرایندهایی مستقل اما مکمل میدانند. یکی از پیامدهای زندان بر خانواده ها اخلال در فرایند جامعه پذیری فرزندان است. درواقع، پدیده زندان یکی از شاخصهای ضعف کنترل اجتماعی است و هرچه جمعیت زندانیان بیشتر باشد، کنترل اجتماعی ضعیف تر است همچنین یکی از پیامدهای مهم محکومیت زندان سست شدن کنترل اجتماعی بر فرزندان و همسران و به طور کلی خانواده زندانی است اعتبار و انسجام نهاد خانواده یکی از سرمایه های اجتماعی و حتی یکی از شاخصهای آن است که با زندانی شدن عضوی از خانواده، نظام روابط و مناسبات خانواده با فرسایش و آسیب مواجه می شود و پیامدهای منفی و آسیب زای ویژه خود را در پی دارد ضعف کنترل اجتماعی درونی و بیرونی پیامدهای دیگری هم دارد که در ادامه به آنها اشاره میشود.

۴-۱- آثار و پیامدهای زندانی شدن بر خانواده زندانی

حضور فرد در زندان برای مدتی هم آثار و پیامدهای مثبت میتواند داشته باشد و هم عواقب و نتایج منفی و سوء که نه تنها عقل سلیم بر هر دو نوع اثرات زندان تاکید دارد بلکه تحقیقات و مطالعات گوناگون که در داخل و خارج کشور صورت گرفته نیز موید همین مطلب است. البته بدیهی است که این اثرات بر حسب متغیرهای مختلفی تفاوت دارد و در موقعیتهای گوناگون پیامدهای زندانی شدن فرد متفاوت خواهد بود. همچنین بر اساس اینکه اثرات زندان را بر روی چه کسی یا افرادی بررسی کنیم نتایج فرق خواهد کرد. اما تحقیقات نشان می دهد که اغلب بزهکاران متعلق به خانوادههای از هم گسیخته و آشفته میباشند خانواده هایی که معیار اخلاقی درستی در زندگی ندارند.

در این پژوهش تمرکز و تاکید بر اثرات سوء و نامطلوب زندانی شدن فرد میباشد و لذا چندان از اثرات مثبت و سازنده زندان از قبیل بازدارندگی فرد متخلف از تکرار جرم ایجاد ارباب و ترس در افراد عادی جامعه که آمادگی ارتکاب تخلف و جرم را دارند و... بحث نمی شود.

برای درک بهتر اثرات سوء و حتی مخرب زندانی شدن فرد سه منبع یا کانون دریافت پیامدهای منفی را می توان مدنظر قرار داد و نتایج نامطلوب زندانی شدن فرد را بر روی این سه محور بررسی نمود. کانون های متأثر از زندانی شدن فرد شامل خود، زندانی خانواده زندانی و جامعه میباشد که در این تحقیق آثار منفی زندان بر روی خود زندانی بررسی نمی گردد و ما به بررسی اثرات مخرب زندانی شدن فرد را بر روی خانواده و جامعه که مرتبط با بحث آسیب اجتماعی می باشد بررسی می نمائیم.

۴-۱-۱- آثار و عواقب زندان بر خانواده زندانی

هر انسانی مسئول اعمال و کردار خویش است اما در این میان خانواده هر فرد شامل همسر و فرزندان، کسانی هستند که بسیاری مواقع باید متحمل اشتباه عضوی از خانواده شوند. همواره اشتباهات ما صرفا متوجه ما نیست بلکه بسیاری اوقات اطرافیان به ویژه خانواده ما باید خطاکاری های ما را تحمل کنند به هر حال کسی که به زندان می افتد، خواه نا خواه خانواده خود را در معرض خطر قرار میدهد و اگر این عضو زندانی یکی از والدین باشد، تاثیر پذیری خانواده به مراتب بیشتر میشود.

از طرفی با توجه به اهمیت و نقش اساسی خانواده در جامعه و کارکرد تربیتی و اصلاحی و رشدی خانواده اعمال آسیب به آن به معنای آسیب به جامعه است و دفاع از حقوق و حریم خانواده یک مسئولیت سنگین و مهم مدیران و تصمیم گیران مسائل اجتماعی است.

معمولا تاثیر پذیری خانواده از زندانی شدن یکی از والدین در دو بخش همسر و فرزندان بحث می شود. به عبارت دیگر یک دسته از عوارض زندانی شدن متوجه همسر او میشود و دسته دیگر متوجه فرزند یا فرزندان او می گردد که این دو دسته مشکل خود مشکلات دیگری برای خانواده به بار می آورد. اینک ابتدا اثرات بر روی فرزند بررسی میشود.

۲-۴-۱- تاثیر پذیری فرزندان از زندانی شدن والدین

الگوپذیری فرزندان از خانواده به ویژه والدین مورد تاکید همه روانشناسان و جامعه شناسان می باشد و تحقیقات مختلفی در زمینه اثرات مثبت و سازنده والدین بر فرزندان صورت گرفته است البته ناگفته نماند که تاثیرات والدین بر فرزندان به اثرات مثبت محدود نمیشود و پیامدها و عوارض منفی نیز در این زمینه مشاهده می گردد. جامعه شناسان معتقدند که محیط خانواده و شرایط زندگی در ایجاد جرم موثری است. سستی و تزلزل والدین خانواده را در معرض خطر قرار میدهد رابطه والدین با یکدیگر با فرزندان و تعامل آنها با یکدیگر، تاثیرات مهم و سازنده یا مخربی بر روی شخصیت و زندگی آینده فرزندان دارد. امروزه دانشمندان مختلفی از جمله کوهن (۱) معتقدند که توسعه و افزایش روزافزون جرم و بزهکاری نوجوانان آمریکا حاصل تحول و تغییری است که در خانواده های آمریکایی روی داده است. جرم شناسان از عوامل مهم اجتماعی جرم محیط خانواده را ذکر میکنند تماس و ارتباط محیطی کودک یا فرزند خانواده با والدین موجب شکل گیری شخصیت او می شود و در مواردی که والدین بزهکار و یا زندانی هستند این اثرات به صورت منفی اعمال میشود.

از عوامل موثر بر بزهکاری کودکان و نوجوانان از هم گسیختگی خانواده می باشد. غالب کودکان بزهکار متعلق به خانواده های متلاشی هستند بر اساس آمار موجود بسته به مناطق مختلف ۳۰ تا ۸۰ درصد مجرمیت کودکان بواسطه متلاشی شدن خانواده اوست. حمید محمدی، فرود ۱۳۷۹ رفتارهای خشن والدین نیز از عوامل سوق دهنده کودک به بزهکاری است.

خانواده ای که یکی از والدین در زندان به سر می برد دچار نابسامانی میشود و خانواده های نابسامان در اختلال شخصیتی و رفتاری کودکان نقش بسزایی دارند فرزندان چنین خانوادههایی افراد ناتوان و بدبین و بدگمان خواهند بود. تحقیقات پرت نشان داد که ۵۰ درصد چنین کودکانی از زندان و بزهکاری سر در می آورند. لغزش و جرم والدین از بابت بدآموزی و تقلید کودک و احساس شرمساری فرزندان عامل مخربی در تربیت فرزندان محسوب میشود (قائمی، ۱۳۷۸) سه عامل اصلی بزهکاری در نوجوانان خانواده مدرسه و اجتماع می باشد.

پیشینه زندگی نوجوانان بزهکار تاریخچه ای مبنی بر بدرفتاری شدید و سهل انگاری والدین آشکار می سازد. در اینجا سعی می شود اثرات سوء زندانی شدن والدین بر روی فرزندان به اختصار بررسی گردد. در یک تقسیم بندی می توان تاثیرات مذکور را به چند مقوله محدود کرد الگوپذیری و کاهش قبح جرم و بزه، عوارض و آثار سوء، روانی آثار و پیامدهای اجتماعی مشکلات تحصیلی و آینده زندگی فرزندان. الگوپذیری و کاهش قبح جرم از سوی روانشناسان و علمای تعلیم و تربیت همواره بر الگوپذیری مثبت یا منفی فرزندان از والدین تاکید شده است و کوشش شده توجه و دقت والدین به این رابطه تاثیر و تاثیری جلب شود. توصیه های تربیتی و روانی متعددی ارائه شده و حجم عظیمی از متون علمی تحقیقات به این موضوع اختصاص یافته از لحاظ فنی نوجوان بزهکار کسی است که متهم به ارتکاب رفتار ضد اجتماعی یا قانون شکنی باشد، ولی به علت آنکه به سن قانونی معمولاً ۱۸ سالگی نرسیده است مانند مجرم بزرگسال با او رفتار نمی شود. برخی تحقیقات نکاتی را در زمینه بزهکاری کودکان و نوجوانان گوشزد کرده اند که پاره ای از آنها به این شرح است:

۱- گروه سنی کمتر از پانزده سال آمادگی بیشتری برای ارتکاب بزه دارند.

جرایم در حومه شهرها به طور کلی بیشتر از شهرها و روستاها روی میدهد.

۳- نوجوانانی که از تفریحات سالم، کار، تحصیلات و... بهره کافی نبرده اند بیشتر گرایش به ارتکاب بزه دارند

تا سایر کودکان و نوجوانان

۴- نوجوانانی که از لحاظ مالی در رفاه بوده لیکن از محبت و توجه کافی برخوردار نباشند، گرایش بیشتری به بزهکاری دارند.

۵- رشد ناکافی و محدود اخلاقی و معنوی نوجوانان در گرایش آنها به تخلف موثر است. مشاهده میشود که موارد فوق و بسیار موارد دیگر از جمله اموری هستند که در خانواده باید مورد توجه و برنامه ریزی قرار بگیرد و در جهت رفع مشکلات اقدام گردد. یکی دیگر از علل بزهکاری نوجوان، ناکامی است. در صورتی که خانواده در جهت ارضاء و برآورده شدن نیازهای نوجوان خود تلاش نکنند و نوجوان با ناکامی های شدید و متعدد مواجه شود، دچار حالت سرخوردگی شده و احساس شکست ناامیدی، پوچی به او دست می دهد که ممکن است برای جبران این کمبودها و ناکامی ها، به هر کاری دست بزند. در این میان بزهکاری یکی از شیوه های ابراز انزجار و اعتراض به شرایط موجود خواهد بود. تحقیقات مختلف در زمینه بزهکاری نوجوانان و کودکان رابطه نزدیکی بین بی ثباتی، از هم گسیختگی و تزلزل خانواده را با بزهکاری کودکان نشان داده است. بسیاری از بزهکاران متعلق به خانواده هایی هستند که در آنها از محبت و تفاهم اثری دیده نمیشود و غالباً خانواده های از هم پاشیده هستند. نوجوان یا کودکی که در کنار بحران هویت یابی و بلوغ جنسی از محبت و حضور یکی از والدین خود بعلت زندانی شدن محروم است و همواره در درون خود و بین دیگران احساس سرشکستگی، ذلت و حقارت می کند، برای بیان اعتراض خود به این شرایط ممکن است به هر چیزی متوسل شود. نوجوان بزهکار از روابط خانوادگی گرم و صمیمی برخوردار نیست و با احساس گناه محرومیت و نا امنی و احساس طرد شدگی از سوی والدین و جامعه بزرگ میشود و به بار می آید. چنین نوجوانی اگر هم احیاناً در این مقطع مرتکب بزه نشود، احتمال مجرم شدن را در بزرگسالی داراست. همانگونه که تحقیقات گسترده ای در مورد بزرگسال مجرم و وضع خانوادگی آنها شده و همگی گویای مشکلات دوران کودکی و خانواده متزلزل و حتی بی سرپرست بوده است. بسیاری بلکه اکثر قریب به اتفاق مجرمین و جنایتکاران دارای خانواده های از هم گسیخته بوده اند و از وجود یک یا هر دوی والدین محروم بوده اند.

نگرش و رفتار والدین میتواند تسهیل کننده یا مانع جریان رشد طبیعی و سالم کودک و نوجوان باشد. وجود والدین پذیرا و فهمیده منبع امنیت و آرامش برای نوجوان می باشد.

۳-۴-۱- آثار و عوارض روانی و شخصیتی

در زمینه الگو پذیری کودکان از بزرگسالان و به ویژه والدین و عواقبی که از زندانی شدن والدین گریبانگیر فرزندان می شود تحقیقات از طریق اثر گذاری فیلمها و تغییرات منش و شخصیت کودکان بیننده، حائز اهمیت است. حتی استفاده از سلاح گرم و سرد به منظور صدمه زدن یا تهدید و ارباب دیگران که توسط کودکان اعمال شده، نشان میدهد که حضور والدین و خانواده مثبت و سازنده در مقابل خانواده و بویژه والدین رشد نیافته و نامناسب و یا غیبت آنها، چه اثرات و عواقب متفاوت و غیر قابل باوری برای فرزندان دارد نقش والدین در آرامش و سلامت روانی فرزندان مورد تاکید همه محققان و اندیشمندان تربیتی است کودک برای رشد سالم و کامل روانی و شخصیتی و بهره مندی از روحیه خوب و رشد یابنده نیاز دارد که دوران کودکی مناسب داشته و در زیر چتر محبت والدین و ارشادهای آنها به شخصیت سالم دست یابد و برای زندگی اجتماعی آماده شود. بدیهی است غیبت والدین به هر علت که باشد به ویژه در صورتی که زندان مطرح شود چه اثرات سوء و زیانباری بر شخصیت و روان کودک خواهد گذاشت. در این مورد وقتی علت غیبت زندان و جرم و جنایت باشد اثرات صدچندان می شود و کودک علاوه بر عدم برخورداری از محبت و توجه و ارشادهای والدین باید متحمل کنایه ها، حرف و سخن ها باشد که به جرم والدین مرتبط است.

یکی از اثرات سوء روانی و البته اجتماعی زندانی شدن والدین بر روی فرزندان تغییر در سرپرستی است. با زندانی شدن والدین احتمال تغییر سرپرست خانواده افزایش می یابد، بدین ترتیب که در صورت زندانی شدن پدر، امکان طلاق مادر و ازدواج مجدد او با مرد دیگر افزایش می یابد که در این صورت اگر بچه ها با مادر باشند، دارای ناپدری میشوند و به خوبی می دانیم که ناپدری به تبع خود چه مشکلات فراوانی را ایجاد می کند. در صورتی که مادر مسئولیت فرزندان را بر عهده نگیرد، معمولاً عمو پدر بزرگ دایی عهده دار مسئولیت بچه ها میشوند که باز هم به معنای تغییر در سرپرستی و بروز مشکلات مربوط به خود است. اما در صورتی که مادر زندانی، شود احتمال تغییر سرپرستی از ناحیه مادر به مراتب بیشتر از حالت قبل است که پدر زندانی شده بود زیرا مادران بیشتر احتمال دارد که ازدواج نکنند و بچه ها را نگهداری نمایند، لیکن برای پدران بدور از همسر، نگهداری بچه ها ظاهراً دشوارتر است و لذا یا با ازدواج مجدد، بچه ها دارای نامادری می شوند که

آن هم قصه طولانی دارد و یا پدر بچه ها را رها میکند که سرپرستی به خویشان و اطرافیان یا مردمان بهزیستی موکول می شود. در همین زمینه باید گفت که در خانواده نقش اصلی معمولاً با مرد است. مرد حاکم و مرکز ثقل و کانون جاذبه و توجه خانواده است. بنا بر این مهمترین الگو به ویژه برای فرزندان ذکور خانواده مرد یا پدر است. زندانی شدن عضوی از خانواده به ویژه پدر، تاثیرات عمیق عاطفی، روانی، شخصیتی بر روی فرزندان می گذارد. بند چهارم آثار و پیامدهای اجتماعی آسیب اجتماعی که برای فرزندان از جانب زندانی شدن والدین بروز مینماید به چند شیوه می باشد. کودک طی دوران رشد و بلوغ برای زندگی اجتماعی و ارتباط و تعامل با دیگران آماده می شود. اما کودکی که از حضور یکی از والدین و گاهی هر دو محروم است آن هم به علت زندانی شدن از آنجا که از لحاظ روانی و شخصیتی دچار مشکلاتی می گردد، در بزرگسالی نمی تواند با دیگران ارتباط برقرار کرده و به عنوان یک عضو جامعه دارای روابط اجتماعی سالم و سازنده شود. در واقع از آنجا که منش شخصیت و وضع روانی ما بر روی همه کارکردها و جنبه های زندگی و حیات ما تاثیر گذار است بروز و وجود مساله و ضعف یا کاستی در جنبه های روانی و شخصیتی، موجب مشکلاتی در در ابعاد اجتماعی میگردد این مساله تنها یک وجه اثرات سوء زندان بر اجتماعی شدن فرزندان می باشد. کودکی که یکی از والدینش در زندان بسر می برد، از لحاظ پذیرش اجتماعی در بین همسالان، هم مدرسه ای ها و سایر موقعیتهای اجتماعی با مشکلات عدیده ای روبرو می شود و همواره یک احساس حقارت، شکست، سرخوردگی، خود کوچک بینی و خود پنداره منفی را با خود حمل می کند و تمامی روابط اجتماعی و انسانی اش را تحت الشعاع قرار میدهد. از جمله مسائل اجتماعی که برای فرد بروز میکند سازگاری اجتماعی است. فرد یا نوجوان ناسازگار، قادر و خواهان پذیرش مسئولیت متناسب با سن خود نیست فرد ناسازگار قادر به حل مسائل و مشکلات خود نیست و برای اشتباهات خود دلیل تراشی می کند و عذر و بهانه می آورد به جای پذیرش اشتباه و تلاش برای رفع آن. از طرفی مسلم است شخصی که دارای شخصیت سالم و سازنده ای است دارای سازگاری اجتماعی مطلوبی می باشد و کودک یا نوجوانی که بدور از محبت و توجه والدین و تحت سرپرستی یکی از آنها بزرگ می شود، به طور بالقوه آمادگی بیشتری برای ناسازگاری دارد.

یکی از ضروریات و ملزومات زندگی اجتماعی پدیده ای به نام جامعه پذیری است. جامعه پذیری فرآیندی است که انسان را برای ملحق شدن به دیگران و ادامه حیات اجتماعی آماده می سازد. خانواده های دارای پدر معتاد از آنجا که بین اعتیاد و زندان رابطه نزدیکی وجود دارد معمولاً دارای فرزندان هستند که در پدیده جامعه پذیری دچار اختلال و آسیب میباشند تحقیقات نشان میدهد فرزندان خانواده های پدر معتاد ارزش های اجتماعی را به درستی پذیرا نمی شوند. فرزندان خانواده های پدر معتاد با همسالان عادی خود سازگاری ندارند ارتباط آنها با والدین توأم با احترام متقابل نبوده و آنها معمولاً ترک تحصیل یا افت تحصیلی دارند. روابط خارجی و اجتماعی اعضای خانواده، بستگی زیادی به کنشهای پدر خانواده دارد در خانواده های پدر معتاد ناسازگاری اعضاء افزایش می یابد. روابط اجتماعی این نوع خانواده ها با مهر و عطوفت همراه نیست و خشونت بر رفتارهای اجتماعی آنها حاکم است. بند پنجم: مشکلات تحصیلی یکی از پیامدها و نتایج قابل پیش بینی زندانی شدن والدین آشفته و گسست خانواده است. در این میان بیشترین تاثیر متوجه فرزندان است. تحقیقات نشان میدهد که کودکان متعلق به خانواده های از هم نا آرام از عقب ماندگی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی کمی برخوردار هستند.

وضعیت تحصیل فرزندان از زندانی شدن والدین تاثیرات جدی می پذیرد تحصیلات نیاز به آرامش روانی و محیط امن و مطمئن دارد و در خانواده های نابسامان و یا دارای والدین زندانی و مجرم چنین محیط آرام و مناسبی وجود ندارد. عبدی در مطالعه خود (۱۳۷۱) نشان داده است که زندانی شدن والدین به ویژه مادر چه به صورت افت تحصیلی و چه کاهش کیفیت بهره وری فرد از مدرسه و درس و یا ترک تحصیل زودرس موقت یا دائم اثرات جدی و عمیقی روی تحصیلات فرزندان می گذارد. میزان تاثیر پذیری وضع تحصیل فرزندان در مقیاس ارزش بصورت بدون تاثیر، تاثیر متوسط و کاملاً موثر طبقه بندی شد و از طریق رگرسیون تاثیر مواد، اعتیاد پدر، محل سکونت و... در کنار زندانی شدن مادر بر روی وضع درسی و تحصیلی فرزندان بررسی گردید. با افزایش سواد زندانی، افت تحصیلی فرزندان کاهش می یابد. سابقه محکومیت پدر از عوامل موثر و افزایش دهنده افت تحصیلی است. نتایج نشان میدهد که در مجموع زندانی شدن والدین میتواند از عوامل موثر احتمالی در مورد کاهش و افت وضع تحصیلی فرزندان تلقی شود.

۴-۴-۱- عواقب و پیامدهای زندانی شدن برای همسر زندانی

فرد زندانی به هر علتی که حبس شود و چه جرم سبک داشته باشد یا سنگین بیگناه باشد یا گناهکار، عمد باشد یا غیر عمد، در مکانی قرار میگیرد که آثار سوء آن نه تنها به خود او، بلکه شامل همسر او هم میشود. این عواقب و آثار سوء از متارکه یا طلاق گرفته تا گرایش به جرم و فساد، مشکلات روانی، می شود. اقتصادی و ... را شامل یکی از متداول ترین اثرات سوء طلاق در زندگی زناشویی فرد زندانی و همسر اوست. البته بدیهی است که طلاق خود میتواند به عنوان یک متغیر مستقل و اثر گذار بر زندانی شدن همسر و گرایش او به سوی جرم باشد. در صورتی که طلاق قبل از زندان رخ دهد چنین رابطه ای قابل قبول خواهد بود اما در موارد متعددی مشاهده شده که پس از زندانی شدن فرد به ویژه در مواردی که سابقه تخلف و حبس وجود داشته باشد یا مدت حبس طولانی بوده باشد، همسر تمایل به طلاق پیدا می کند. از جمله تحقیقاتی که رابطه بین زندانی شدن فرد و طلاق را نشان میدهد، می توان به مطالعه عبدی (۱۳۷۱) اشاره کرد. البته تحقیق عبدی بیشتر به تاثیر زندانی شدن زنان و متارکه همسر آنان پرداخته است و بین متغیرهایی از قبیل سن ارتکاب جرم توسط زنان و سن فعلی آنها با متارکه روابطی را بدست آورده است. برای مثال مجرمین زنی که در اولین ارتکاب سن کمتری داشته اند شوهرانشان پس از ارتکاب جرم آنها بیشتر مبادرت به جدایی و طلاق از زنان زندانی کرده اند تا زنانی که سن بیشتری داشته اند. در خصوص گرایش به جرم و بزهکاری و به ویژه فساد و انحرافات اخلاقی و جنسی همسران زندانی به تبع زندانی شدن فرد در تحقیق عبدی مردانی که همسرانشان زندانی میشوند علاوه بر گرایش به ازدواج مجدد، به ارتباط نامشروع نیز اقدام می کنند. در خصوص زنانی که مردانشان زندانی میشوند نیز اگرچه به صورت محرز و آشکار نمی توان چنین ادعایی کرد لیکن تحقیقات گرایش به مشکلات جنسی به علت عدم دسترسی به همسر را نشان داده است. برای مثال در مازندران یکی از علل گرایش به زنا عدم دسترسی به همسر بوده است. این امر به شکلی است که در تحقیق ربیعی (۱۳۷۷) در مورد وجود رابطه زناشویی در زندان به صورت ملاقات ویژه، یعنی آنکه فرد زندانی و همسر او بتوانند برای ساعتی ملاقات خصوصی داشته باشند مشخص شد که میزان بروز جرم و تخلف در داخل زندان به سبب افزایش آرامش روانی زندانی کاهش می یابد. به عبارتی وجو رابطه زناشویی شرعی در کاهش تخلف

که یکنوع آن مسائل اخلاقی و انحراف جنسی است، چه برای زندانی در داخل زندان و چه همسر او در خارج زندان می تواند موثر و محتمل باشد. بروز آسیب اجتماعی برای همسران افراد زندانی به ویژه هنگامی که زندانی مرد خانواده باشد، کاملاً قابل پیش بینی و محتمل است.

۵-۱- مفاسد و جرایم مالی - اقتصادی

جنبه دیگری از مصداقهای انحرافات اجتماعی مفاسد و جرایم مالی و اقتصادی است. انحرافات فوق را از ۲ منظر می توان نظاره گر بود.

منظر اول:

این گونه انحرافات دارای ویژگی های ذیل هستند:

۱- عمدتاً علت اقتصادی دارند.

۲- آشکارا جهت گیری اقتصادی در آنها لحاظ میشود.

چهره عریان آن به طبق فقر و چهره پنهان آن به طبقه متوسط و چهره تغییر حالت داده (پیچیده) آن به طبقه بالا تعلق دارد. در این دسته از انحرافات، سه نمونه قابل ذکر است: ۱. تکدی، ۲. فساد اداری، ۳. کج رفتاری اقتصادی

منظر دوم ساترلند

کج رفتاری های اقتصادی را میتوان به دو دسته بزرگ کج رفتاریهای یقه سفیدان و کج رفتاری های دون پایگان تقسیم کرد کج رفتاریهای یقه سفیدان شامل جرایمی است که اشخاص مورد احترام و برخوردار از جایگاه اجتماعی در حوزه مربوط به اشتغال خود انجام میدهند. کج رفتاری های اقتصادی دون پایگان شامل سرقت اموال مردم و جرایم سازمان یافته میشود به طور کلی جرایم اقتصادی عبارت از آن جرایمی است که با «انگیزه مادی و با «ماهیت فعالیتهای اقتصادی یعنی فعالیت های مالی و پولی داد و ستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع بدون مجوز، رشوه ستانی، کمیسیون گیری، اعطای تسهیلات غیر قانونی به نفع خود یا دیگران صورت میگیرد بنابراین میتوان گفت درست است که ۷۰ تا ۸۰ درصد جرایم و انحراف ها و آسیب

های اجتماعی با انگیزه اقتصادی صورت می گیرد. یعنی همه جرایم به جز مواردی چون تخلف های رانندگی، انگیزه های ناموسی و قومی، عدم امکان اجرای تعهدات مالی بی هیچ قصد و انگیزه سهل انگاری، نادیده گرفتن حقوق دیگران اما چیزی در حدود نیمی از آنها ماهیت اقتصادی نیز دارند جرایم با انگیزه اقتصادی اما با ماهیت غیر اقتصادی شامل مواردی چون سرقت روسپیگری قاچاق مواد مخدر دایر کردن مراکز فساد، برخی خلاف های رانندگی، نادیده گرفتن حقوق شهروندی، عدم انجام تعهدات عمومی و جز آن میشوند. جرایمی که هم انگیزه اقتصادی و هم ماهیت اقتصادی دارند عبارتند از اختلاس جعل، کلاهبرداری، رشوه گیری، کمیسیون، گیری معاملات آگاهانه زیان آور فرو رفتن اطلاعات سوء استفاده از منابع مالی به صورت غیر مجاز، خرید و فروش کالاهای ممنوع، قاچاق کالا عدم انجام تعهدات مالی خیانت در امانت و جز آن گفته می شود که فساد اداری به سه گونه سیاه، خاکستری و سفید است. بخارایی می گوید: دریافت رشوه از نوع فساد اداری سیاه و مورد نفرت توده ها و صاحبان قدرت سیاسی است کوتاهی کارمندان در اجرای قانون از نوع فساد اداری خاکستری و مورد نفرت صاحبان قدرت اما مواجهه با بی تفاوتی توده های مردم است. پارتی بازی مبتنی بر روابط سنتی و عاطفی از نوع فساد اداری سفید و تا حدودی مواجهه با بی تفاوتی توده ها و صاحبان قدرت است به گونه ای که چندان خواهان تنبیه عاملان آن نمی باشد. جرایم اقتصادی (با انگیزه و ماهیت اقتصادی در ایران در حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد از کل پرونده های مختومه در هر سال را تشکیل میدهند در این میان مواردی نیز مانند صدور چک بلامحل که در سال ۱۳۷۹ بیش از ۵۴۶ هزار پرونده مختومه از ۴ ۳۸۰ میلیون پرونده را تشکیل می داد یا مواردی مانند اختلاس ارتشا جعل دعاوی حقوقی، دعاوی موجر و مستاجر وجود دارد که در بیشتر موارد جدا از اقدامات مجرمانه جدی ماهیتی زیان بار و سازمان یافته دارند. از طرف دیگر، بخش قابل توجهی از جرایم اقتصادی در واقع تخلفهای کوچک و جزئی هستند که شامل رشوه گیریهای کم، اندازه سهل انگاری رابطه سازی گرفتن کمیسیون و برداشتن های پول های جزئی (زیر ۱/۰ ریال از صندوق، ها جعل امضا سند سازی و غیر واقعی نشان دادن ارقام مالی بوده اند. در مقابل این ها، جرایم، ویرانگر سازمان یافته و دار و دسته ای مافیایی یا شبه مافیایی) همراهی و همدستی ماموران و استفاده از نفوذ و قدرت دولتی بسیار

مخرب به حال منابع اقتصادی و روحیه اجتماعی نیز وجود داشته اند که در ایران به جرایم مالی میلیاردی، جرایم آقازاده ها، ثروت های بادآورده، فساد و جز آن اشتهار دارند.

نتیجه گیری

زندان همواره یکی از ابزارهای بشر به منظور اهداف گوناگون در ارتباط با کسانی بوده است که قواعد اجتماعی را رعایت نکرده و به عبارت صحیح تر موجب انحرافات اجتماعی می شوند. این ابزار مانند سایر مصنوعات بشری کارکردهای مثبت و منفی دارد به نحوی که در برخی موارد زندان، ابزاری برای حاکمان شرور بمنظور به بند کشیدن افراد صالح بوده است. بر این اساس این پژوهش با هدف آسیب شناسی تاثیر زندان بر ابعاد اجتماعی زندانیان انجام گردید.

مسئله آسیب های اجتماعی زندان بر محکومین و خانواده و اشخاص ثالث به رغم اهمیت و گستردگی اش کمتر از سایر مسائل و موضوعات مرتبط با زندان مورد توجه محققان به ویژه در ایران بوده است و موانع دسترسی محققان به مطالعات میدانی در زندان و نبود داده های رسمی و معتبر و کافی از دلایل آن بوده است. با لحاظ کردن بعد جمعیت خانوار می توان به صورت تقریبی گفت از هر ۲۰ نفر یک نفر به نوعی با مسئله زندان درگیر است از این طریق میتوان ابعاد تاثیر زندانی شدن افراد را بر خانواده و جامعه درک کرد این پیامدها ابعاد فردی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارند و شدت و ضعف آنها به عوامل مختلف مانند نوع جرم زندانی، مدت محکومیت وجود یا فقدان ارگانهای حمایتی و نیز نوع برخورد جامعه با زندانی و خانواده او بستگی دارند. مسئله طرد اجتماعی و برچسب زنی از شایع ترین رویکردها در مورد زندانی و خانواده اوست.

با توجه به مبحث پیش بینی روند آینده و مخاطرات و چالشهای احتمالی و همچنین اعلام رسمی مقامات قضایی مبنی بر اینکه آمار پرونده های وارده به قوه قضاییه از مرز ۱۵ میلیون گذشته و هشدار در مورد آن این روند مسئله زندان و خانواده زندانیان را نه تنها به یک بحران که به منبع برخی بحرانهای اجتماعی تبدیل می کند نظریه کنترل اجتماعی نیز این وضعیت را ناشی از ضعف در فرایند کنترل اجتماعی در جامعه و ناکارآمدی آن در هر دو بعد درونی و بیرونی می داند. این وضعیت همچنین نشانه افول سرمایه اجتماعی یا عناصر پیونددهنده افراد به یکدیگر و جامعه است و به تعبیر دیگر نشانه ضعف چهار متغیر کنترل کننده رفتار اجتماعی است که عبارت اند از ۱. دلبستگی ۲، تعهد ۳. مشارکت ۴. باور، همچنین این روند جامعه پذیری را با اخلال جدی مواجه میکند از این رو توجه به راهکارهای ارائه شده اهمیت می یابند.

پیشنهادات

۱- تسهیل ارتباط مستمر زندانی با خانواده و با جهان بیرون از زندان از عوامل مؤثر بر تقلیل پیامدهای منفی زندانی شدن فرد بر خانواده است

۲- تأکید بر افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت نهادهای مدنی و حمایتی به عنوان بخشی از راهکارهای کاهش پیامدهای منفی زندان بر خانواده و جامعه توجه شود

۳- رسانه ها در اصلاح نگرشهای جامعه به مسئله جرم، زندان، خانواده زندانی و شیوه کنترل، جرم در ذهنیت مردم و مدیران نقشی تعیین کننده دارند. پیشنهاد می شود به منظور برنامه ریزی دقیق و مفصل ابتدا باید در ارتباط با گردآوری اطلاعات مربوط به جنبه های اقتصادی انجام شده و با ایجاد یک نظام متمرکز حمایتی اقتصادی از مشکلات مربوط به اشتغال، درآمد و معیشت ناشی از زندانی شدن افراد بکاهد. مشکلاتی که در نهایت منجر به تاثیر گذاری در ابعاد زندگی اجتماعی چنین افرادی می شود.

منابع و مأخذ

- ۱- آشوری، محمد (۱۳۸۲)، جایگزین زندان یا مجازاتهای بینابین، تهران: نشر گرایش
- ۲- آنسل، مارک (۱۳۶۶)، دفاع اجتماعی ترجمه محمد آشوری و علی نجفی ابرندآبادی، تهران: راهنما. آئین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۰ رئیس قوه قضاییه.
- ۳- اجلالی، پرویز (۱۳۸۳)، «نگاهی به آمار جرایم در ایران مجموعه مقالات آسیبهای اجتماعی و روند تحول آن در ایران تهران نشر آگه
- ۴- احمدی، حبیب و ایمان، محمدتقی (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیر مجازات مجرمین موادمخدر بر کیفیت زندگی خانواده های آنان مورد مطالعه خانواده های زندانیان مواد مخدر شهر شیراز»، مجله مطالعات اجتماعی ایران شماره ۱: ۱-۱۹
- ۵- ایمان محمدتقی و ،مرادی گلمراد (۱۳۹۰)، روش شناسی نظریه اجتماعی گافمن»، فصلنامه زن و جامعه شماره ۲: ۷۸-۵۹
- ۶- باقی عمادالدین (۱۳۸۳)، روحانیت و قدرت، تهران: نشر سرایی
- ۷- باقی عمادالدین (۱۳۹۳) دنیای بسته جامعه شناسی و روانشناسی زندان از درون تهران ، سرایی
- ۸- فرقدان، علی اصغر (۱۳۸۹)، «تأثیر محکومیت زندان بر خانواده ها و کودکان زندانیان»، ماهنامه اصلاح و تربیت شماره ۷۹۸-۹
- ۹- ریتزر جورج (۱۳۷۴) نظریه های جامعه شناسی در دوران ،معاصر ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی
- ۱۰- سلیمی، علی و داوری محمد (۱۳۸۵)، جامعه شناسی کجروی قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۱- عبدی، عباس (۱۳۸۱)، مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم» مجله جامعه شناسی ایران شماره ۲: ۷۷
- ۱۲- علوی بزرگ (۱۳۹۰) ، ورق پاره های زندان تهران انتشارات بدرقه جاویدان
- ۱۳- فوکو، میشل (۱۳۷۸)، مراقبت و تنبیه؛ تولد زندان ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران. نشر نی
- ۱۴- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه شناسی ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- ۱۵- مازلو ابراهام اچ (۱۳۶۷)، انگیزش و شخصیت ،ترجمه احمد ،رضوانی مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی
- ۱۶- غنی، مهدی (۱۳۸۸) زندان با زندانی چه میکند روزنامه اعتماد، دوشنبه ۳۰ شهریور